

داماش سال‌ها است که گرفتار مشکلات مالی و مالکیتی است، بحران‌هایی که فوتبال رشت را رها نمی‌کنند. حال نقشه جدید در باشگاه داماش این است که با تغییر نام باشگاه از بدهی‌های انباشته فرار کنند و بتوانند با امتیاز داماش و با نام شهر یاران به تیمداری ادامه دهند. کاری که اگر فرار از بدهی‌ها دلیلی باشد، رفتاری غیراخلاقی است و صدق کارهایی است که نام خوبی نمی‌توان برایش پیدا کرد. فارغ از این، در رشت عده‌ای از دوستداران داماش به رغم آنکه «داماش» یک برند تجاری است، موافق هستند که نام تیم تغییر کند و دلایلی مثل هویت گرفتن این تیم با نام داماش را مطرح می‌کنند. دلایلی که در عالم تجارت ورزشی چندان محکمه‌پسند نیست. داماش از روز اول به‌عنوان نام یک برند تجاری در فوتبال فعالیت کرد و بدیهی است که با پایان فعالیتش، گروه جدید سرمایه‌گذار حاضر نباشند آن برند را تبلیغ کنند.
با این حال ایران ورزشی از دیدگاه‌های مختلف در این باره استقبالی می‌کند. دو یادداشت در این باره را می‌خوانید:

به بهانه تغییر نام داماش
تغییر هویتی که هواداران بر نمی‌تابند
میثم محبوب

بحث تغییر نام داماش، یک هفته‌ای است که به سوزخه اول فوتبال رشت از مطبوعات تا هواداران داماش تبدیل شده. بحثی که گویا «طرح مساله» آن به مذاق فوتبالی‌های این شهر و بخصوص هواداران داماش خوش نیامده و البته پیش‌بینی اینکه چنین موضوعی مطرح‌اند و مورد قبول داماشی‌ها نباشد چندان هم سخت نبود اما این وجود باز هم عطران و اجرایی شد!

این روزها و در سطح اول فوتبال کشور اگر دقیق شویم، در لیگ برتر هم تیم‌هایی را می‌بینیم که قدمت زیادی ندارند و با حضور درسطح اول فوتبال کشور هنوز هویت و غرور فوتبالی هواداران و فوتبالدوستان خود به حساب نمی‌آیند اما دلیل اصلی نمی‌شود که فکر کنیم فوتبالدوستان ما به راحتی به این مساله عادت کنند!

باید قبول کرد که هویت یافتن یک تیم و از همه مهم‌تر جا گرفتن در دل هواداران به راحتی به دست نمی‌آید که به راحتی از بین برود و در این میان نمی‌توان هر چیزی را به راحتی یا به اجبار به هواداران تحمیل کرد، بلکه هویت واقعی آن است که یک هوادار آن را بپذیرد داشته و از ته دل فریادش بلند کرد، حال چه تیمش در ابتدای جدول باشد چه در انتهای آن، خواه در لیگ برتر باشد خواه در لیگ یک یا پایین تر.

ماجرای «پرسپولیسی» یا «پیروزی» را باید یکی از نمونه‌های بارز این بحث ذکر کرد. در سال‌ها در برخی مطبوعات و رسانه‌ها نام این تیم را پیروزی خطاب کردند و البته هواداران اصلی این تیم نامی جز پرسپولیسی را بر زبان نیاوردند. در شعارهای استادیومی جز نام پرسپولیسی در انواع و اقسام شعارها سر داده شد و حتی یک بار هم کسی نام پیروزی را نشنید و البته پس از سالها بالاخره هویت دلخواه و مورد قبول هواداران به رسمیت شناخته شد. شاید اگر هواداران و عاشقان یک تیم در خیلی از حوزهای فنی و غیر فنی دخیل نباشند اما در این حوزه به خواسته قلبی هواداران باید احترام گذاشت.
فوتبال رشت در این چند روز برخی‌ها هم از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کرده‌اند و نام داماش قول یک برند تجاری دانسته و حق تغییر نام را برای اسکنداران جدید قابل بشدند اما باید این فکر کرد که در این بحث نمی‌توان به سادگی از کنار هویت که داماش در فوتبال این شهر یافته، گذشت. هویتی که هواداران را روی سکوی استادیوم پیر شهر باران کشانده است. هوادارانی که از همان زمان رفتاری داماش به مشکلاتش و هنگامی که این تیم در لیگ برتر حضور داشت تا زمانی که با سقوط به لیگ یک رسید، در کنارش ماندند و در این مدت هم قطره‌ای آب خوش از گلویانش پایین نرفت و البته که دلیل تحمل این سختی‌ها چیزی جز همان هویت داماش نبود.

نمی‌دانیم چقدر دیگر توضیح دهیم اما باید به هویت فوتبال این شهر و خواسته هوادارانش احترام گذاشت. واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های فوتبالدوستان این شهر در همین چند روز نشان داد که آنها این تغییر هویت را بر نمی‌تابند. حال که در این چند وقت گرهی از مشکلات داماش باز نشده، حداقل غرور و هویت فوتبال این شهر را به چالش نکشید.

نقشه‌های عابدینی برای بازگشت به رشت
ماندگاری نام داماش، خواسته هواداران
سینا معتدل

در روزهای اخیر خبرهایی از حضور دوباره عابدینی در رشت به گوش می‌رسد. در ادامه به جنبه‌های مختلف این موضوع خواهیم پرداخت.

پس از آخرین دیدار داماش در لیگ برتر مقابل مس که با روز غمبار فوتبال رشت و سقوط این تیم به لیگ یک همراه بود موجی از اعتراضات در فوتبال رشت پدید آمد که نهایت دامنگیر باشگاه داماش و افت روز و روز این تیم شد. تا جایی که داماش در پایان فصل فدری رقابت‌های دسته اول حاضر بود تا بجای یافتن از سقوط در آخرین دیدار خود چنین بقا برپا کند، جتنی که در فوتبال رشت بی‌سابقه بود. فوتبال رشت همواره تیم‌هایی از شانس‌های مسلم صعود به لیگ برتر بودند.

تیم مدیریتی داماش جسته و گریخته و با تعداد محدود و تنها در جهت رفع مشکلات ابتدایی پس از معافیت می‌پرداخت چرا که شرایط برای حضور آسان و در راس آن امیر عابدینی در مسال پس از سقوط داماش در رشت فراهم نبود. علاوه بر آن هواداران فوتبال رشت حضور آن عوامل سابق را در این تیم بر نمی‌تابیدند. طی این دوسال علاقه‌مندان فوتبال رشت علاوه بر کنار راندن کادر مدیریتی قبلی سعی بر فراهم آوردن شرایط مدنی حضور حامیان جدید در این تیم داشتند. از جمله تشکیل کمیته مردمی کمکد یا رابزنی و عوامل پشتیبانی و شورای اشراف بر دست گرفتن بزاده امور که گویا این کلاف سر درازی داشته و در نهایت هیچ کدام از مسوولان اساتنی توانایی به نتیجه رساندن این تغییر را نداشتند. البته در این امر مسوولان هیات فوتبال استان گیلان و همکاری‌شان با برخی عوامل داخل باشگاه بی تاثیر نبود، تا جایی که هواداران داماش نابودی این تیم را به عینه می‌دیدند.

حال پس از این دوسال زرمزه‌هایی از بازگشت امیر عابدینی وکادر مدیریتی ایشان البته به نحوی دیگر و با رویوش دیگری (شرکت آهن و فولاد لوشان) به گوش می‌رسد تا دوباره پس از به بن بست رسیدن در این شهر با عنوان ناجی وارد عمل شده و راه را برای فعالیت خودشان در این باشگاه تا حدودی هموار سازند. ناجی همان کسانی هستند که خود عامل آن شرایط بحرانی بودند.

در این میان شنیدیم می‌شود صحبت از تغییر نام تیم داماش گیلان به شهریاران برای از بین بردن برخی مسائل حقوقی گذشته وجود دارد که برخی هواداران داماش پس از این اتفاق با حضور در باشگاه داماش و اعلام موضع خود با هر گونه تغییر نام تیم داماش مخالفت کرده و عنوان کرده‌اند حاضرند تیم فوتبال شهرشان به دسته دوم سقوط کند ولی با تغییر نام تیم روبرو نشوند.

عابدینی در محافل خصوصی از بازگشت نام داماش پس از مدتی سخن گفته و هدف خود برای فصل آینده را رقابت‌های دسته اول را حضور در جمع مدعیان و صعود به لیگ برتر دانسته است! این یعنی باز هم امیر عابدینی با روش‌های خودش می‌خواهد وارد بازی شود و چه‌رازی موثر و مفید از خود نزد تماشاگران بسازد، کاری که بارها انجام داده و نتایج تاسفناکش را در فوتبال رشت دیده‌ایم.

کمیته انضباطی

پیکان، نفت مسجد سلیمان و فولاد یزد جریمه شدند

در بازی دو تیم پیکان تهران و قزاق قاقمی، مربی تیم پارسه تهران به صنعت مس رفسنجان از سری رقابت‌های لیگ دسته اول از سوی برخی از مسوولان باشگاه پیکان تخلفاتی مبنی بر ورود به ورزشکند داوران و حضور پرسرست تیم اهانت به داوران بسازی کرد. داد بر همین اساس باشگاه پیکان تهران طبق ماده ۵۷ این نامه انضباطی به پرداخت ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد. رای صادره قطعی است. همچنین در مسابقه دو تیم نفت مسجد سلیمان و پارسه تهران دو سوی تماشاگران نیز نفت مسجد سلیمان تخلفاتی مبنی بر فحاشی به داور بازی ریال جریمه نقدی محکوم شد. رای صادره قطعی است. همچنین در مسابقه دو تیم سو تماشاگران نیز نفت مسجد سلیمان ریال جریمه نقدی محکوم شد. رای صادره قطعی است. همچنین در مسابقه دو تیم فوتبال پیکان تهران و قزاق قاقمی تماشاگران خانگی این تیم بدون حضور تماشاگران خواهد بود. علاوه بر آن سید

محرومیت ۴ جلسه‌ای برای پزشکدار تیم شهدای جویبار

بازی تیم‌های فوتبال شهدای تهران و شهدای جویبار با رقابت‌های لیگ دسته اول فوتبال برگرز شد و از سوی مهدی تقی زاده، پزشکدار تیم شهدای جویبار تخلفاتی مبنی بر رفتار غیر مناسب، اهانت و فحاشی و بازیکنان تیم مقابل و پرتاب کیسه بخ به صورت داور که موجب وقفه ۶دقیقه‌ای در

اعتراض‌ها، هر روز به یک نفر

ادامه جریان سازی علیه فولاد!



سمیرا شیرمدری

فولاد خوزستان مدت‌هاست که مشکل دارد و نتیجه نمی‌گیرد. این تیم نه تنها در لیگ برتر، بلکه در جام حذفی هم نتوانست انتظارات را برآورده کند و هر روز هواداران را ناامیدتر از قبل کرد.

در ابتدا خیلی‌ها این مشکل را به نقل و انتقالات از تساط می‌دانستد و اینکه خرده‌های اشتباه باعث شد فولاد نتیجه نگردد. بعد از آن، مشکل به درآگان اسکوچیج از تساط پیدا کرد و اینکه نمی‌تواند از بازیکنانش به خوبی بهره بگیرد. خیلی‌ها او را ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند سرمربی فولاد خوزستان با وجود اینکه تیمش در بازی‌ها می‌بازد اما دست‌به‌ترتیب نتواند و همچنان از نرفات قلبی استفاده می‌کند. البته شاید محدودیت بازیکن باعث چنین نتیجه‌گیری نمی‌کرد. به هر حال اعتراض هواداران هر روز بیشتر از قبل و شدیدتر می‌شود اما هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. خیلی‌ها حتی انتظار می‌کشیدند که درآگان اسکوچیج از فولاد اخراج شود اما مدیریت باشگاه به خاطر فرار داد بالای او دست به چنین کاری نبرد.

هم به‌سبب دلیل انتقادها ۲جانبه‌شده بود. این بار هواداران هم به به درآگان و تمیزش اعتراض داشتند و هم به مدیریت باشگاه. درآگان و تیم را پیروزی نامی خاصی می‌گرفت و احتمال هر اتفاقی وجود داشت. خدمت گرفتن درآگان اسکوچیج به دنبال به این خبر شاید برای خیلی‌ها یورن‌کرکنی بود

اما کاملاً جدی پیگیری شد. هم منوچهر نیکفر رییس هیات مدیره باشگاه سپاهان از حضور درآگان اسکوچیج در میان گزینه‌های سرمربیگری سپاهان خبر داده بود و هم اصغر باقریان مدیرعامل باشگاه در هر صورت همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت و حتی توافق برای جدایی درآگان اسکوچیج از فولاد خوزستان هم انجام‌شد که ناگهان یک شرط همه چیز را تغییر داد. درآگان که انگار یک یکسری مسائل شک کرده بود، درحج داد قبل از توافق با سپاهان و امضای قرارداد با این باشگاه، قراردادش با فولاد خوزستان را فسخ نکند. در نهایت هم مدیرعامل باشگاه فولاد این شرط را قبول نکرد تا درآگان زمان را

از دست بدهد و فرصت از بین برود.

نکنه جالب در این اتفاقات این بود که باشگاه

سپاهان که خیلی اصرار به جذب درآگان اسکوچیج درآگان اسکوچیج این سرمربی کروات در خدمت حتی چند ساعت هم آن را تمدید نکرد. به این ترتیب درآگان نتوانست تا پایان روز سه‌شنبه خود را به اصفهان برساند و در نهایت هم او را هواز ماندنی شد.

بعد از اینکه درآگان اسکوچیج در اهواز ماندگار شد، باشگاه سپاهان خیلی زود با ایگور استیمچاچ به توافق رسید و قراردادش را امضا کرد. در مصاحبه‌های استیمچاچ یک نکته جالب به چشم می‌خورد که کمی هم عجیب بود. استیمچاچ در مصاحبه‌هایش گفته بود که ۱۰ روز قبل با مسوولان باشگاه سپاهان به صورت مستقیم وارد مذاکره شده بود و خیلی زود به توافق رسید. این مساله نشان می‌داد که حضور درآگان اسکوچیج در سپاهان چندان جدی نبود. در واقع سپاهانی‌ها با استیمچاچ به توافق رسیده بودند

دوگانگی در تصمیمات برای تخلفات سرسازی بازیکنان

پوئن تراکتور، بلای جان تراکتور!

بود و در این مورد مباحثات را از حد گذراند.

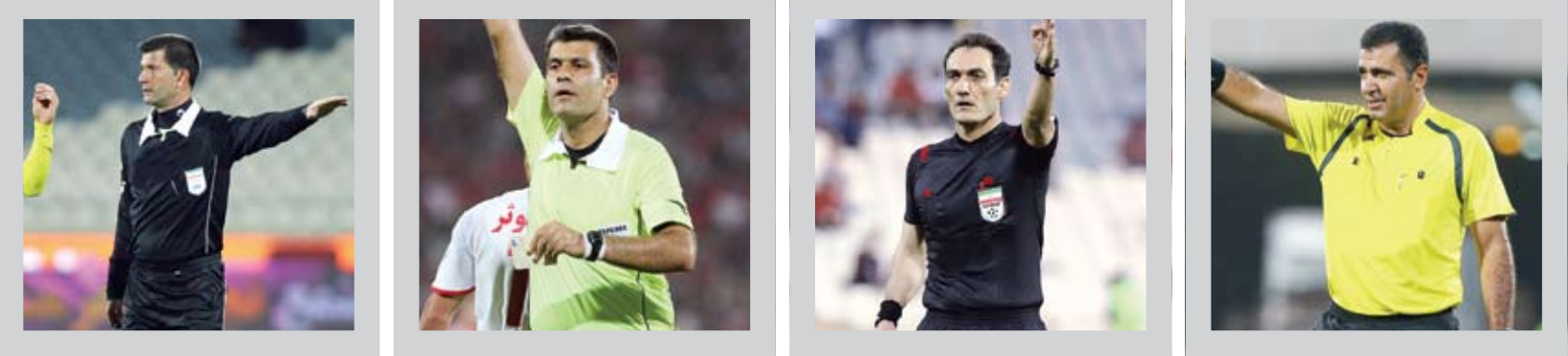
چند سال پیش زمانی که ایمان مبعلی درواچ فوتبالش قرار داشت و یکی از ستاره‌های تیم ملی محسوب می‌شد و البته قراردادی یکساله با فولاد خوزستان داشت، با غیبت شش ماهه به خدمت سرسبازی رفت و همین موضوع باعث شد تا مسوولان نظام وظیفه از حضور او در لیگ برتر جلوگیری کنند و مبعلی به‌عنوان ستاره جوان تیم ملی مجبور شد عطای لیگ برتر را به نقایض بزرگش و ابهی لیگ یک و تیم نیروی زمینی شود. شرایط آن زمان لیگ یک هم کاملاً مشخص است، اگر پای صحبت‌های ایمان مبعلی که هنوز هم یکی از بهترین‌های لیگ برتر به شمار می‌رفت نبخشید، خواهید فهمید که برای غیبت چند ماهه در رفتن به سرسبازی، چه زحمانی و دشواری‌هایی را تحمل کرد. نگرفتن حقوق، خوابیدن در خوابگاه سرسبازان، استفاده از جیره غذایی سرسبازی و ... مهم‌تر از همه بازی در لیگ یک در حالی که ستاره تیم ملی بود. عجیب است که چند سال بعد برخی بازیکنان با خواسته خود و با درک اینکه سندی از اسناد رسمی کشور را جل می‌کنند، اقدام به پرداخت پول و ... برای دریافت کارت عضویت کردند اما برخوردی متفاوت با بازیکنان شد

تا جایی که برخی از آنها، به نوعی تشویق شدند و در تیم‌هایی حضور پیدا کردند که حتی شاید در حالت عادی به این شرایط نمی‌رسیدند. مجازات سازمان وظیفه عمومی برای غیبت چند ماهه و جعل سند، عجیب بود. عجیب از این نظر که ایمان مبعلی بدترین سختی‌ها و مجازات‌ها را دید ولی برخی فوتبالبست‌هایی که سند جعل کرده بودند، به تیمی مانند تراکتورسبازی اعزام شدند و حالا به جای موثر بودن در این تیم، تراکتورسبازی در طول یازده هفته گذشته از لیگ برتر هنوز نتوانسته نتایج مورد انتظار را کسب کند و بدتر اینکه همین بازیکنان حواشی زیادی برای این تیم تریزی ایجاد می‌کنند.

تراکتورسبازی این روزها سرشار از حاشیه است و خبرهای خوبی از تیم به گوش نمی‌رسد، در حالی که بیشتر بازیکنان این تیم سرسباز هستند و تراکتورسبازی حق پرداخت پولی به آنها ندارد. حالا در این تیم سرسبازهایی که سند جعل کردند، قهر می‌کنند و انگیزه‌ای برای بازی ندارند، در حالی که حضور در تراکتورسبازی لطف بی‌پایانی بود که برخی مسوولان تراکتورسبازی و سازمان وظیفه عمومی در حق آنها کردند.

مدرس فیفا: داور چهارم بازی ذوب – پرسپولیس مقصر است!

محرومیت داوران و گم شدن ۵ هزار دلار فیفا در کلاس توجیهی



مهديه دریاپیکي

مدرس فیفا آمده بود تا با پیش کردن کلبه‌های داورى اشتباهات داورى ایران را در کلاس توجیهی مشخص کند. نماینده فیفا می‌دانست که جو فوتبال ایران به خاطر بازی پرسپولیس و ذوب به هم ریخته و چند داور محروم شده‌اند. مسوولان کمیته داوران هم داوران لیگ برتر را عصبوت کردند تا بعد از تعطیلات دوباره جو بازی به خاطر اشتباه داورى به هم نریزد اما در این کلاس داوران برزى حضور نداشتند. از ید... جهانبازی که چهره جنجالی ایران پرسپولیس و ذوب بود و این روزها اسمش بر سر زبان‌ها است تا کرمانشاهی که شرکت نکردن در این کلاس برایش گران تمام شد و بازی پرسپولیس و استقلال اهواز را از او گرفتند و به خورشیدی دادند! (ترکی، فغانی، قهرمانی، جهانبازی و کرمانشاهی) غایبان بزرگ این کلاس بودند. فیفا برای این کلاس ۵ هزار دلار هزینه در نظر گرفته بود، لباس‌های داوران توسط فیفا به این کلاس‌ها فرستاده شده بود و از این لحاظ برای نخستین بار در این فصل داوران مشکل نداشتند. هزینه رفت و آمد مدرس را هم فیفا داده بود اما با این همه برنامه‌ریزی دقیق معلوم نشد که چرا داوران را به خوابگاهی بردند که شبیه پایگان بود و نوع برخورد با آنها باعث شد تا همه داوران یاد دوران سربازی ببینند! از اتاق‌هایی که برای داوران در نظر گرفته بودند تا غذائی که برای آنها تهیه شدند پس از گذشت دو روز در آنها ایجاد می‌کرد و همه از هم می‌پرستید پس ۵ هزار دلار که فیفا برای این کلاس‌ها در نظر گرفته شد کجا رفت و چرا با چنین امکاناتی از داوران پذیرایی کردند!

در کنار جو مناسب خوابگاه و غیبت داوران بزرگ، یک مساله دیگر هم فضای این کلاس را تحت تاثیر قرار داد. گفته شد قرار است تست گرفته شود، تعدادی از داورانی که مصدوم بودند از جمله

پریش و پاسخ

کدهای رحمان برای افشاکاری، اتفاقات جام جهانی:

در این جریان‌ها، نه رحمتی

مقصر است، نه من

رحمان احمدی بعد از جدایی رحمتی از تیم ملی، به‌عنوان دروازه‌بان اول تیم ملی انتخاب شد و در روزهای سخت تیم ملی در راه جام جهانی توانست با محافظت از دروازه تیم ملی و کلین شیت در سه بازی حساس، یکی از موثرترین بازیکنان در راهبانی به جام جهانی لقب بگیرد. مخصوصاً نمایش احمدی در بازی با کره جنوبی تماشایی بود اما در کمال تعجب علیرضا حقیقی در هر سه بازی جام جهانی درون دروازه تیم ملی ایستاد و در نهایت تیم ملی با فرار گرفتن در رده آخر گروه به کشورمان بازگشت. همان زمان صحبت‌ها و شایعاتی در باره کنار گذاشتن احمدی از دروازه تیم ملی وجود داشت. اما بعد از ماه‌ها حالا احمدی کمی از اتفاقات قبل از حضور در جام جهانی را افشا می‌کند.

این فصل زیاد درون دروازه سپاهان نبودی، در این باره صحبت می‌کنی؟

■ مسائل کلی از اول فصل وجود داشت و یک شرایطی بود که فرقی تشخیص داد شهاب بازی کند. برای شخص من مهم نبود چه کسی بازی بلکه مهم این بود که سپاهان موفق باشد. از اینکه بازی نمی‌کردم به‌عنوان یک بازیکن حرفه‌ای ناراحت بودم اما این تصمیم کادرفنی بود، با این حال قرار بود در جام حذفی من بازی کنم. در نهایت اتفاقاتی افتاد که منجر به جابجایی آقای فرکی و آمدن استیمچا شد. الان هم ۲ روز است با این مربی کار می‌کنیم. زمان مربی می‌رود استیمچا نتواند تفکرش را در تیم پیاده کند و امیدوارم هرچه سریع‌تر بچهارا تا تفکرات این مربی اخت شوند تا زودتر به شرایط ایده‌آل برسیم.

مربی جدید را چطور می‌بینی؟

■ می‌شود با ۲ روز کار کردن تشخیص داد که مربی خوب است یا بد. این مورد زمانبر بوده و باید صبر کرد تا مشخص شود اهداف و تاکتیک که می‌خواهد در تیم پیاده کند، چگونه بوده و این موارد را باید درنظر گرفت. در مجموع با ۲ روز کار نمی‌توان گفت مربی استثنایی است یا مربی چیزی نمی‌داند. باید این پروسه را پشت سر گذاشت و سپس در این مورد اظهار نظر کرد.

در مورد جدایی فرکی، از نویدکیا زیاد صحبت می‌شود اما چه اتفاقی افتاد که سرمربی سپاهان ترجیح داد از تیم جدا شود؟

■ اینکه عده‌ای توهین کنند، از فصل قبل هم بود. هر زمان چند بازی می‌روید و یا اینکه از او همچنان حمایت خبری نبود اما تا مسأوی می‌کردیم یا می‌باختم، سرولکه این عده پیدا می‌شد. این عده می‌خواستند به سپاهان ضربه بزنند و فرقی نمی‌کند که فرقی سرمربی باشد یا هر فرد دیگری. پرباشان مهم نبود چه کسی هست یا نیست.

■ این اتفاقات برای برگشتن محرم نبود؟
خیر، محرم هم برگشت و فرقی هم دیگر نبود اما توهین‌ها ادامه پیدا کرد. پس فرقی نکرد. نمی‌توان گفت محرم بهانه بود. اگر این طور بود، چرا باز هم توهین کردند؟ مطمئن باشید جلوتر هم برویم باز هم این افراد هستند و این کارها را ادامه می‌دهند.

■ شایعاتی این روزها مطرح شده که به واسطه رفاقت سیا ننگر و نورمحمدی احتمالاً به پرسپولیس بپیوندید. در این مورد نام شما این روزها در صدر اخبار قرار دارد.

■ خیلی واضح و روشن بگویم که از باشگاه پرسپولیس هیچ مسوول یا فرد فنی یا بازیکنی با من تماس نگرفته است. من و محسن بنگر از شومنگ توشهر با هم رفیق هستیم و رفت و آمد خانوادگی داریم اما این دلیل نمی‌شود که او به من زنگ زده باشد و بگوید به پرسپولیس یا به هیچ عنوان این موضوع صحت ندارد و کذب محض است. هیچ شخصی از پرسپولیس تا این لحظه با بنده برای پیوستن به این تیم تماسی نگرفته است. در ضمن من بازیکن سپاهان هستم و با این باشگاه قرارداد دارم و به قراردادهم پایبندم. اگر باشگاهی من را می‌خواهد باید با باشگاه مذاکره کند.

■ خصوصاً اتفاقاتی که این روزها در خصوص دروازه تیم ملی می‌افتد چه نظری داری؟ از اعتقاد دارن که شاید اگر کمی تو عده‌ای می‌کرد، این حق تو بود که در جام جهانی هم بازی کنی؟

■ جان جهانی رفقم اما این پرسوهای که قرار بود از تیم ملی فاصله بگیرم یک پرسوهای بود که با زمان خداحافظی رحمتی با تیم ملی هم‌زمان شد و این پرسوه از همان زمان یا قبل‌تر استارت خورده بود تا اتفاقاتی بیفتد. یعنی چه؟ چه پرسوه و توسط چه کسی قرار بود اجرا شود؟

■ مسائلی هست که نمی‌خواهم الان بیاز کنم چون اگر این اتفاق بیفتد باید یکسری برای همیشه کنار بروند. فقط می‌توانم بگویم که در جریان‌ها اخیر نه مهدی رحمتی مقصر است و نه من. فقط همین را بگویم که پس از بازی ایران و کره‌جنوبی برخی به انتقادش رفتند و برای رسیدن به خواسته‌هایش نقش کشیدند و جلساتی ترتیب دادند. همین را بنویسد آن کسی که باید، خودش می‌فهمد.

■ نقشه به چه منظوری؟

■ برای اینکه خواسته‌هایشان عملی شود.

■ یعنی برای جدایی شما از تیم ملی نقشه کشیده بودند؟

■ خیر، برای اینکه در تیم ملی بازی کنند نه برای اینکه من کنار بروم.

■ در چه پستی؟

■ بالاخره... اگر مساله را باز بهتر بکنم است و اگر همین را بنویسد، طرف خودش متوجه خواهد شد. بنویسید تا طرف فکر نکند ما نفهم بودیم و از اتفاقات خبر نداشتیم.

■ یعنی کوش تحت تاثیر تصمیمات دیگران بود؟

■ البته بحث کی‌روش نیست و بحث مسائلی دیگر است. من با کی‌روش مشکلی ندارم. این مربی در چند بازی سنگینتی که پشت سر گذاشتیم به من خیلی کمک کرد و خدا را شاکر من هم توانستم وظیفهام را به خوبی پشت سر بگذارم.

■ از کی‌روش ناراحتی؟
■ بازهت هستم. چرا نباشم؟ اما هرچه بوده تمام شده. فقط امیدوارم تیم ملی بتواند با این جوانگرایی که کرده دوباره به جام جهانی برسد.

■ نمی‌خواهی این مسائل را باز کنی؟
■ اگر می‌خواستیم مطمئن باشمید.

■ واضح می‌گفتم و صلاح نیست الان در این خصوص صحبت کنم. این موضوع خیلی مهم است اما فعلاً بازگو نمی‌کنم و مسائلی را پیش خودم نگه می‌دارم اما فکر نکنند ما چیزی نمی‌دانیم و از مسائلی بی اطلاع هستیم.

■ قطصاً این فرد مسوول قدراسیون یا کادرفنی نبوده و منظورت بازیکن تیم ملی بوده؟

■ بله، بازیکن بود. من به مسوول و کادرفنی کاری ندارم. بازیکنی بود که پس از بازی با کره‌جنوبی بلافاصله که به هتل رسیدیم جلسه‌ای را در اتاق خودش با حضور دو بازیکن دیگر گذاشت تا نقشه‌اش را عملی کند و به خواسته‌اش برسد.

■ منظورنت گلر اول این روزهای تیم ملی است؟

■ سن دیگری در این مورد صحبتی ندارم. همین قدر که مقتم کافی است.